

# یادی از شادروان دکتر حمید فرزام معلم دانشمند و عارف

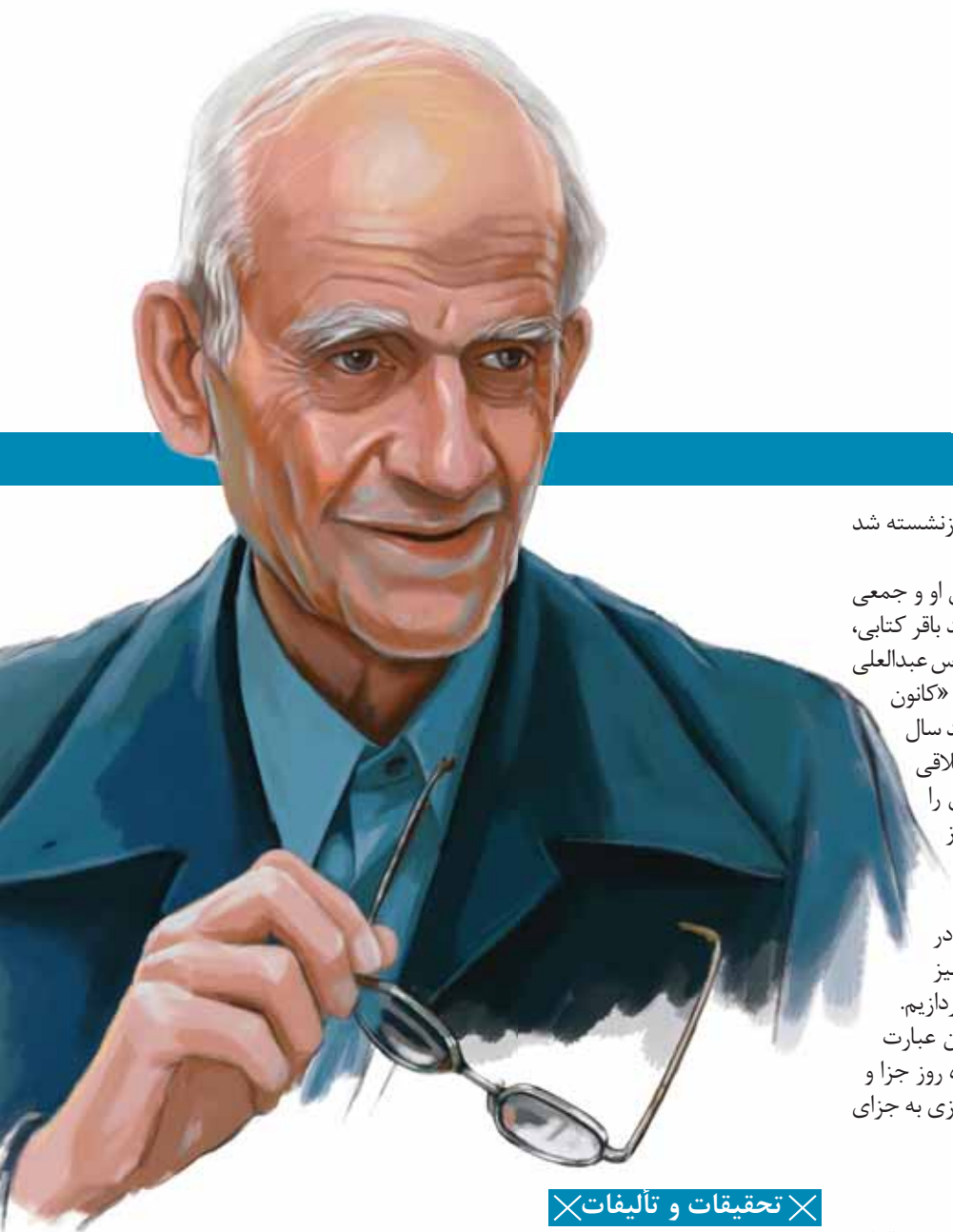
جعفر ربانی  
تصویرگر: مرتضی یزدانی

شادروان دکتر حمید فرزام یکی از معلمان دانشمند و فرهیخته معاصر است که در دو عرصهٔ مدرسه و دانشگاه خدمات ارزشمندی کرد و در عرصهٔ تألیف و تحقیق نیز منشأ آثاری ماندگار شد. با این حال، آن دانشمند روزگار ما به‌جز در میان خواص اهل علم و فرهنگ، در میان مردم چندان شناخته نیست و این را باید ناشی از شخصیت محجوب و بی‌ادعای خودش دانست؛ و اگر همت دکتر مهدی محقق در برگزاری مراسم بزرگداشت او نبود بیش از این ناشناخته می‌ماند. بنابراین لازم دانستیم در این شماره وی را در ردهٔ معلمان بزرگ ایران به شما معلمان عزیز که در واقع همکاران او هستید، معرفی کنیم.

حمید فرزام زادهٔ شهر کرمان بود و در سال ۱۳۰۲ چشم به جهان گشود. در شش سالگی از پدر یتیم شد و از آن پس مادرش تربیت او را بر عهده گرفت. پدر و مادر هر دو پارسا و با ایمان بودند. حمید دورهٔ دبستان را در مدرسهٔ سعادت، که وابسته به مدرسهٔ علمیهٔ ابراهیمیه (منسوب به میرزا ابراهیم ظهیرالدوله، حاکم شیخی کرمان) بود گذراند و دورهٔ اول متوسطه را در دبیرستان انگلیسی جم، که در آن بر انضباط و اخلاق تأکید ویژه‌ای وجود داشت، سپری کرد. پس از دورهٔ اول متوسطه، فرزام به دانشسرای مقدماتی رفت تا معلم شود و این دوره را با معدل خوب و رتبهٔ دوم به پایان رساند. بنابراین از این امتیاز برخوردار شد که در دانشگاه ادامه تحصیل بدهد و در آینده به جای آموزگار دبستان دبیر دبیرستان‌ها شود. پس راهی تهران شد و در دانشسرای عالی به تحصیل در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مشغول گردید. در آن زمان در دانشسرای عالی استادان برجسته‌ای تدریس می‌کردند که فرزام توانست از محضر چهار نفر آن‌ها به‌گونه‌ای شایان استفاده کند: احمد بهمنیار، جلال‌الدین همایی، سید محمد کاظم عصار و ملک‌الشعراى بهار. فرزام در خاطرات خود این چهار استاد را بسیار ستوده و در باب فضایل هر یک داد سخن داده است، ما برای اختصار تنها به آنچه دربارهٔ بهمنیار گفته اشاره می‌کنیم. فرزام احمد بهمنیار را مصداق این بیت معروف ابوالعلاى معری دانسته که دربارهٔ سید مرتضی علم‌الهدی - دانشمند بزرگ شیعه در عهد آل بویه - گفته بود:



لو جئته لرایت الناس فی رجل  
والدھر فی ساعة والارض فی دار  
یعنی وقتی به نزدش رفتم، گویی همه مردم در یک نفر، همهٔ زمان در یک ساعت و همهٔ زمین در یک خانه گرد آمده‌اند. فرزام در سال ۱۳۲۴ مدرک لیسانس خود را دریافت کرد و در همان سال به دبیری دبیرستان شاهپور شمیران - که اکنون جلال آل احمد نام دارد - منصوب شد و تدریس درس‌های زبان و ادبیات فارسی و عربی را بر عهده گرفت. اما به زودی او را واجد صلاحیت بیشتر تشخیص دادند و به ریاست دبیرستان صفا (محمودیه) در همان تجریش منصوب کردند و او طی هفت سال مدیریت خود، مدرسهٔ صفا را که بسیار نامنظم و پریشان بود و سروصدای وزیر را هم درآورده بود به مدرسه‌ای مرتب و منضبط تبدیل کرد. فرزام گفته است: «دبیرستان صفا همان مدرسه‌ای بود که نویسندهٔ نکته‌سنج و توانا مرحوم جلال آل احمد قبل از من ادارهٔ آن را بر عهده داشت و کتاب مدیر مدرسه را دربارهٔ آن به رشتهٔ تحریر درآورده بود.» سپس می‌افزاید: «خدا داناست که آن مدرسه چه وضعی داشت که ذکر نا کردن آن اولی‌تر» به هر حال هنگامی که در سال ۱۳۴۰ فرزام به جهت انتقال به دانشگاه اصفهان مدرسه را به مدیر دیگری تحویل داد به قول خودش «به فضل پروردگار از بهترین مدارس حوزهٔ فرهنگی شمیران به شمار می‌رفت.» طی سال‌هایی که فرزام مدیریت مدرسهٔ صفا را به عهده داشت مدرک دکترای خود را نیز دریافت کرد و به همین دلیل، به اصفهان انتقال یافت و استاد دانشکده ادبیات



دانشگاه این شهر شد. او تا سال ۱۳۵۸ که بازنشسته شد در اصفهان بود.

فرزام شیفته تربیت نوجوانان بود. در اصفهان او و جمعی از همدلان و همگان وی، از جمله دکتر محمد باقر کتابی، بدرالدین کتابی، دکتر علی شریعتمداری، مهندس عبدالعلی مصحف و ... دست به تأسیس مرکزی به نام «کانون علمی و تربیتی جهان اسلام» زدند که طی چند سال نقش بسیار مؤثر و مفیدی در تربیت علمی، اخلاقی و اجتماعی نوجوانان اصفهان داشت. کانون را سرانجام ساواک تعطیل کرد! فرزام خودش نیز در کلاس‌های این مرکز تدریس می‌کرد. فرزام از بی‌مایگی پاره‌ای از دانشجویان در رنج بود. بد نیست از خاطرات تدریس او در دانشگاه تهران یکی را که در واقع لطیفه‌ای نیز هست نقل کنیم و سپس به دیگر خدمات او بپردازیم. می‌گوید: «در برگ امتحان خواسته بودم این عبارت تفسیر سورآبادی را معنا کنند: «پادشاه روز جزا و پاداشت» یکی از آنان نوشته بود: پادشاه روزی به جزای عملش رسید و فرار کرد چون پاداشت!!»

### × تحقیقات و تألیفات ×

از شادروان استاد حمید فرزام ۵ کتاب و نزدیک به ۷۰ مقاله باقی مانده است. ۵۵ مقاله او در کتابی به نام «نکته‌ها و نقدها» به کوشش دکتر مهدی محقق چاپ شده است. از میان کتاب‌های او کتاب «تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی» جایگاه برجسته‌ای دارد که در سال ۱۳۷۴ در انتشارات سروش چاپ شد. دکتر محمد خوانساری دوست، همشاگردی و همکار فرزام این کتاب را «نقطه عطفی در تاریخ تصوف» خوانده و گفته است «هر کس بخواهد در تاریخ تصوف اسلامی به تحقیق درخوری بپردازد از این کتاب بی‌نیاز نخواهد بود. فرزام پس از عمری با برکت با قلبی سرشار از ایمان و معرفت، و کارنامه‌ای پر بار از خدمت، در سال ۱۳۸۷ به رحمت حق پیوست.

### × فرزام عارف ×

حمید فرزام از طریق یکی از دوستانش به نام دکتر عبدالعلی گویا - که دبیر فیزیک مدرسه شاهپور بود و بعدها به ریاست دانشگاه رازی کرمانشاه رسید- به حلقه رجبعلی نکوگویان، مشهور به رجبعلی خیاط که عارفی مشهور در تهران بود وصل شد. این اتصال که سال‌ها ادامه داشت بر فرزام تأثیر بسیار به‌جا نهاد و چیزهایی مشاهده کرد که به گفته خودش «اگر آن‌ها را به رأی‌العین ندیده بودم باور نمی‌کردم.» فرزام پس از بازنشسته شدن از دانشگاه اصفهان (۱۳۵۸) به تهران بازگشت و به تدریس آزاد و انجام مطالعات و تحقیقات ادبی و عرفانی مشغول گردید تا اینکه در سال ۱۳۶۹ دکتر حسن حبیبی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی او را به عضویت پیوسته فرهنگستان دعوت و منصوب کرد و این معلم دانشمند تا پایان عمر در این عضویت باقی بود.